



قراقرم فقهی اجتماع تبرائمه العظم

میدان داری جوان مؤمن و متعهد

با رویکرد حرکت عمومی

برگرفته از ارائه آقای محمدعلی (عزیز) جعفری

معاونت راهبردی و جبهه سازی

پاییز ۱۴۰۳

فهرست

۱. مقدمه ۴
۲. گام دوم و حرکت عمومی ۵
۳. محوریت جوان مؤمن متعهد ۷
۴. تفاوت حرکت در گام دوم ۸
۵. مسأله اصلی: میل و اراده ۱۲
۶. حلقه‌های میانی؛ مسئول به میدان آوردن مردم ۱۴
۷. حس ضرورت برای نقش‌آفرینی ۱۷
۸. مردم یا مسئولین؟ ۱۹
۹. الزامات اولیه برای شروع حرکت عمومی ۲۱
۱۰. نقشه عملیاتی حرکت عمومی ۲۲
۱۱. گفتمان‌سازی عام ۲۴
۱۲. مخالفت دستگاه‌های حاکمیتی برای به میدان آمدن مردم ۲۹
۱۳. مردم‌سالاری دینی ۳۰

۱۴. جهادی سخت‌تر از جنگ! ۳۴
۱۵. تبیین برای مردم ۳۷
۱۶. حضور مؤثر و جبهه‌ای ۳۸
- ۱۶-۱. یک درصد! ۳۹
- ۱۶-۲. قیام جمعی؛ گروه‌سازی ۴۰
۱۷. توحید؛ عمل صالح و قیام لله ۴۲
۱۸. انسان‌های باهوش ۴۹
۱۹. ولایت و جبهه‌سازی مؤمنین ۵۲
۲۰. هدایت در مسیر ۵۴

انقلاب اسلامی را باید اولین تجربه یک قیام مردمی و انقلابی عظیم دانست که به رهبری یک عالم دینی بزرگ و مرجع تقلید انقلابی شکل گرفت و بزرگ‌ترین دستاورد اولیه آن، تشکیل یک نظام کاملاً مردمی و برگرفته از فقه شیعه بود که بستری مناسب برای استمرار حرکت مردمی مؤمن و دین‌دار را فراهم می‌ساخت. به یاری خدای متعال، مردم مؤمن و انقلابی ایران، تاکنون توانسته‌اند از تمامی آزمایش‌های الهی و فشارهای دشمنان خارجی و داخلی سربلند بیرون آیند و این انقلاب را با صبر و استقامتی مثال‌زدنی حفظ کرده و حرکت انقلاب را تداوم بخشند. از ویژگی‌های این انقلاب آن است که هیچ حرکت عمده‌ای و هیچ مرحله‌ای از آن نبوده است که بدون اراده و عزم راسخ مردم پیش رفته باشد. مگر آنکه جوانان دین‌دار و با ایمان، محوریت آن حرکت را برعهده گرفته و انقلاب را از موانع و گردنه‌های سخت و بحران‌های بزرگ عبور دادند. از سرنگونی رژیم منحوس پهلوی گرفته تا مقابله با ناامنی‌های اولیه انقلاب، تا دفاع از حریم کشور در دفاع مقدس، تا حرکت‌های جهاد سازندگی و محرومیت‌زدایی، تا همیاری و مواسات در بحران‌هایی چون کرونا، سیل، زلزله و ... همه نمونه‌هایی از نقش‌آفرینی مؤثر مردم در عرصه‌ها و میدان‌های مختلف ایثار و فداکاری است. امروز نیز همچون راه طی

شده از ابتدای انقلاب تا به امروز، همه ما - به ویژه جوانان - نیازمند تفکر و تأملی عمیق در رابطه با گام دوم انقلاب هستیم تا قادر باشیم عرصه‌های مورد نیاز برای نقش‌آفرینی مؤثر مردم در هر مقطع زمانی را درست تشخیص داده و بتوانیم محوریت حرکت‌های عظیم مردمی برای رسیدن به اهداف چشم‌اندازی انقلاب را نیز برعهده بگیریم.

۲. گام دوم و حرکت عمومی

از دیدگاه رهبری حرکت انقلاب، یک حرکت تدریجی است که در طول زمان اتفاق می‌افتد و ماهیت حرکت انقلابی مردم در گام دوم، شباهت زیادی به حرکت قبل از انقلاب دارد که عموم مردم با همت بلند خود توانستند انقلاب را به پیروزی برسانند.

«اینکه ما گفتیم گام دوم، معنایش این است که همان انگیزه‌ای، همان حرکتی، همان همت بلندی که توانست این کشور را بعد از سال‌های متمادی از زیر لگد استعمارگران و مستکبرین خارج کند ... امروز هم وجود دارد برای اینکه بتواند یک حرکت عظیمی را انجام دهد و

ان شاء الله این حرکت عظیم به آینده روشن
ملت ایران منتهی خواهد شد^۱».

تأکید ایشان بر وجود داشتن این همت بلند، بیانگر این
است که حرکت عمومی مدنظر در گام دوم، همانند حرکت مردم در
مرحله اول انقلاب، ویژگی‌های نهضتی و یک قیام عمومی نرم را دارد.
با این تفاوت که این بار، حرکت مردم می‌بایست سیستم‌های غلط و
نظامات رضاخانی به جا مانده از قبل و نیز سبک‌های زندگی غربی
ترویج‌یافته در کشور را از بین ببرد و به جای آن، قوانین و ضوابط کاملاً
اسلامی و عدالت‌محور و توحیدی را حاکم کند تا از این طریق، دولت
و جامعه به مرور اسلامی شود. این حرکت عمومی مورد انتظار در گام
دوم را باید یک حرکت سرنوشت‌ساز برای انقلاب تلقی کرد که هدف
آن تکمیل مراحل سوم و چهارم انقلاب، یعنی اسلامی شدن دولت و
جامعه است و باید تا رسیدن به هدف نهایی «حاکمیت بخشیدن به
دین خدا» ادامه یابد. محور این حرکت و قیام نیز بر عهده جوانان
متعهد است که می‌بایست آن را از کندی خارج کرده و سرعت
بخشند.

^۱ بیانات در دیدار با کارگران (۱۳۹۸/۰۲/۰۴).

۳. محوریت جوان مؤمن متعهد

موضوع گام دوم انقلاب اسلامی و حرکت عمومی، مسأله‌ای است که متأسفانه در میان نیروهای انقلاب و به خصوص آن‌هایی که کارهای سازمانی و تشکیلاتی مهجور واقع شده است. خلاصه و لب مطلب این است که مبتنی بر اندیشه رهبر معظم انقلاب به خصوص بیانات ایشان در تاریخ ۱۳۹۸/۰۳/۰۱ در دیدار جمعی از دانشجویان، مردم مؤمن متعهد انقلابی و باصلاح جوانان حزب‌اللهی باید محور حرکت عمومی جامعه در گام دوم انقلاب باشند. اگر مبتنی بر تعریف رهبری از جوان، بازه سنی ۱۵ تا ۴۰ سال را ملاک قرار دهیم، با فرض اینکه یک سوم جمعیت جوانان جامعه را مؤمن و متعهد فرض کنیم، حدود ۱۲ میلیون نفر را می‌توان جمعیت جوان مؤمن و متعهد در نظر گرفت که مخاطب ولی فقیه به عنوان محور حرکت عمومی در گام دوم انقلاب قرار گرفته‌اند که هرکدام باید مبتنی بر ظرفیت‌ها و تکالیفی که بر دوش دارند در سطوح مختلف اقدام به نقش‌آفرینی‌های گوناگون و متفاوتی کنند. اهمیت این قشر به عنوان محور قرار گرفتن در حرکت جامعه، از این حیث است که اساساً این جوان مؤمن متعهد حزب‌اللهی است که تا پای جان حاضر است برای پیشرفت این نظام

هزینه دهد و در میدان‌های مختلف از ابتدای انقلاب تا میدان جنگ تا کوران‌های فتنه‌گون در جامعه تا حوادث و بلایای طبیعی همچون کرونا و ... همواره ثابت کرده‌اند که حاضرند تا حد ایثار و فدای جان خود پای این نظام و انقلاب ایستادگی کنند و آن را به پیش ببرند. لذا همین مردم مؤمن و متعهد هستند که در گام دوم انقلاب نقش‌آفرینی و حضورشان در میدان‌های گوناگون از اهمیت برخوردار است و مسأله اصلی نیز، چگونگی حضور دائم و نقش‌آفرینی مؤثر کیفی و کمی در عرصه‌های گوناگون است.

۴. تفاوت حرکت در گام دوم

تجربه نشان داده است، مشکل در انگیزه نداشتن این قشر نیست زیرا چنانکه به میان آمد، انگیزه ایشان در عرصه‌های مختلف و در تجربیات گوناگون در طول ۴۶ سال گذشته ثابت شده است. لکن نحوه حضور در حرکت عمومی مد نظر رهبری معظم در گام دوم انقلاب اسلامی از خصوصیات برخوردار که آن را متفاوت از قبل می‌کند. چنانکه ایشان در این زمینه بیان داشته‌اند:

«باید یک حرکت عمومی در

کشور راه بیفتد؛ البته این حرکت وجود

دارد منتها بایستی انضباط پیدا کند،

سرعت پیدا کند و پیشرفتش به سمت
آن چشم‌انداز محسوس باشد ...
ببینید، درست توجّه کنید! یک حرکتِ
عمومی معقول و منضبط - منضبط!
وقتی می‌گوییم منضبط، یعنی حرکت،
غوغاسالارانه و بلبشویی و مانند اینها
نباشد^۱».

ملت شریف ایران در طول این چهل سال اخیر با حضور
همه‌جانبه و نثار جان خود در صحنه‌های مختلف یک حرکت سلبی
که موجب دفع اقدامات دشمن و رفع آسیب‌های در بلایای طبیعی
بوده است را انجام داده اما انقلاب اسلامی برای یک حرکت ساخت
کشور و بسترسازی برای پیشرفت، نیازمند حرکت ایجابی آحاد افراد
جامعه است. در دهه دوم انقلاب ماهیت تهدیدات تغییر کرد و با
توجه به حماسه بزرگی که در جنگ آفریده شد و درس بزرگی که به
دشمن داده شد و مرزهای کشور در برابر تجاوز بیگانگان امن شد
دشمن فهمید باید روش خود را عوض کند. در حال حاضر جمعیت
اندکی از مردم انقلابی و مؤمن جامعه به میدان آمده و پیگیر تحقق و

^۱ بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۸/۰۳/۰۱.

اجرا شدن بیانیه گام دوم انقلاب می باشد. لذا انگیزه کافی در میان مردم وجود دارد و قشر مؤمن و انقلابی جامعه نیز همواره ثابت کرده اند بیشترین انگیزه را برای حضور و به میدان آمدن و برای نقش آفرینی دارند لکن در جایی که حس ضرورت برای نقش آفرینی به ایشان دست بدهند و احساس کنند که باید در میدان بیایند و نقش آفرینی کنند. هم اکنون برای رسیدن به موفقیت های بیشتر نیازمند «حضور ایجابی» مردم در صحنه های مختلف هستیم که در گام دوم انقلاب از آن به «حلقه های میانی» تعبیر شده است. در گام نخست انقلاب مردم دو مرحله «اصل انقلاب» و «تشکیل نظام اسلامی» را شاهد بودند و در گام دوم سه بخش «اسلامی شدن دستگاه های نظام»، «اسلامی شدن جامعه» و «تشکیل جامعه جهانی اسلامی» را در پیش دارند. در زمان فعلی، کشور در بخش نخست از گام دوم انقلاب یعنی بخش «اسلامی شدن دستگاه های نظام» قرار دارد. این امور نشان از آن دارد که در گام دوم، بر اقدامات ایجابی و ایجاد با هدف خودسازی، جامعه پردازی و ترویج سبک زندگی تمدن ساز تمرکز دارد. بنابراین هدف اصلی در گام دوم، اصلاح سبک زندگی و رفتارهای اجتماعی، توسعه اخلاق و رفاه عمومی و ارتقای سطح ایمان و معنویت مردم است و اساساً از این طریق است که هدف غایی انقلاب یعنی تمدن نوین اسلامی تحقق می یابد. در

حال حاضر وضع موجود جامعه با وضع مطلوب فاصله زیادی دارد و نمی‌توان ادعا کرد که روند فعلی رو به جلو بوده است؛ بلکه شاهد توسعه سبک زندگی غربی در جامعه هستیم. محقق نشدن اهداف والای انقلاب مانند عدالت اجتماعی مورد انتظار، فرهنگ عمومی و سبک زندگی اسلامی و نیز درجا زدن انقلاب در مرحله سوم خود یعنی دولت اسلامی، همین دغدغه و نگرانی را در اذهان دردمندان انقلاب تقویت کرده است. فراهم نیودن زمینه حضور مؤثر و گسترده مردم برای رفع این نواقص عمده، امروز به مسأله اصلی انقلاب تبدیل شده است. هر زمان مسئولین عظمت حضور ملت در صحنه‌ها را شناخته و زمینه را برای نقش‌آفرینی آنان آماده کردند، مشکلات کشور حل شده است و هرجا با شکست مواجه شده‌ایم به خاطر این است که مسئولین نتوانسته‌اند وظیفه خودشان را نسبت به حضور مردم، انجام دهند. برای اینکه از این مشکلات که امروز در اوج آن هستیم عبور کنیم نیاز به یک حرکت نهضت‌گونه است که رهبر انقلاب از آن به عنوان حرکت آتش به اختیار از جوانان خواستند. این حرکت احتیاج به برنامه‌ریزی و انتقال تجربه و مجموعه‌سازی دارد که این حرکت عظیم با محوریت جوانان متعهد ان شاء الله پیش برود. رهبر معظم انقلاب، حضور گسترده و نقش‌آفرینی مردم در گام دوم انقلاب

را گره خورده به مسأله اصلی میل، اراده و عزم راسخ مردم دانسته و آن را پایه اصلی تحولات کشور می‌دانند.

۵. مسأله اصلی: میل و اراده

مسأله اصلی میل و اراده ایشان است.^۱ چالش اصلی آن است که مردم، چنانکه باید متناسب با گام دوم انقلاب اسلامی پای این میدان نیامده‌اند؛ حال آنکه هر جا مردم پای کار آمدند و زمینه برای به میدان آمدن آن‌ها فراهم شد، مشکلات پیش رو حل شد و انقلاب اسلامی با توفیقات بسیاری همراه بود و هر جایی مردم به میدان نیامدند، ناکامی‌های بسیاری را ایجاد کرد و موجب رنج بردن مردم در زمینه‌های مختلفی همچون فقر، فساد، تبعیض، بی‌عدالتی، بی‌توجهی به مسائل فرهنگی و ... گردید. لذا هر زمانی که مسئولین نتوانستند مردم را به میدان آورده و موجبات نقش‌آفرینی مؤثر و گسترده ایشان را فراهم کنند، نظام اسلامی در حل مسائل گوناگون ناکام بوده است.

^۱ مسئله‌ی اصلی ما، مسئله‌ی مردم است؛ حضور مردم، میل مردم، اراده‌ی مردم، عزم راسخ مردم. این را باید عرض کنیم؛ در همه‌ی تحولات و جنبشهای گوناگون اجتماعی بزرگ، نقش مردم، نقش معیار است. (بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه ۱۳۹۰/۰۷/۲۰).

«هر جایی که مسئولین کشور توانائی‌های مردم را شناختند و به کار گرفتند، ما موفق شدیم. هر جایی که ناکامی هست، به خاطر این است که ما نتوانستیم حضور مردم را در آن عرصه تأمین کنیم. ما مسائل حل نشده کم نداریم. در همه‌ی مسائل گوناگون کشور، مسئولین باید بتوانند با مهارت، با دقت، با ابتکار، راه‌هائی را برای حضور مردم پیدا کنند - همچنان که در عرصه‌ی بسیار دشوار جنگ این اتفاق افتاد، راه باز شد؛ کسانی توانستند راه را باز کنند - تا هر جوانی، هر پیری، هر مردی، هر زنی که بخواهد در این کار بزرگ شرکت کند، راه برایش باز باشد».

براین اساس، اگر مسأله حضور مردم حل شود، همه مسائل بزرگ اجتماعی نیز حل خواهد شد. لکن چه کسانی مسئولیت به

^۱ بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه ۱۳۹۰/۰۷/۲۰.

میدان آوردن مردم را دارند؟ مسئولین حاکمیتی که غالباً در دولت‌ها و دستگاه مجریه هستند یا جریان‌هایی از میان خود مردم؟

۶. حلقه‌های میانی؛ مسئول به میدان آوردن مردم

چنانکه از بیانات مقام معظم رهبری برمی‌آید، مخاطب ایشان در زمینه به میدان آوردن مردم، تا سال ۹۳ غالباً مسئولین حاکمیتی بوده‌اند؛ چنانکه در بیانات ایشان با مردم کرمانشاه و مردم خراسان شمالی و مردم تبریز، روی صحبت ایشان مسئولین بوده‌اند و ایشان را مخاطب خود برای به میدان آوردن مردم و فراهم کردن زمینه حضور مردم قرار می‌دادند لکن به نظر می‌آید از سال ۹۳ به بعد، رهبر معظم انقلاب، در این مسأله از مسئولین ناامید می‌شوند؛ خاصه آنکه دولت وقت برخلاف نظرات رهبری در حوزه‌های مختلف نسبت به ظرفیت‌های داخلی و مردمی بی‌اعتنا بود. لذا شاهد آن هستیم که رهبر معظم انقلاب در فاصله سال ۹۳ تا ۹۷ دیگر در این حوزه اظهار نظری ندارند تا سال ۹۷ که ایشان مجدد در ابتدای سال که ایشان امت حزب‌الله و جامعه مؤمنین متعهد را مخاطب خود قرار می‌دهند و نهایتاً به مناسبت چهلمین سالگرد انقلاب اسلامی بیانیه گام دوم را صادر می‌کنند و به پیوست آن در خرداد سال ۹۸ به شرح و بسط حرکت عمومی می‌پردازند.

«تبیین اینها نیاز دارد به ذهن
فَعّال و زبان گویا؛ منتها مسئله‌ی
راهکارهای عملی ... احتیاج دارد به
هدایت، تمرکز، پیگیری، فعّالیت پی‌درپی
و لحظه‌به‌لحظه برای اینکه بتواند این
کاروان عظیم جامعه را و مهم‌تر از همه
جوانهای جامعه را به پیش ببرد. این کار
چه کسی است؟ این تمرکز، این ایجاد
برنامه‌ی کار، پیدا کردن راهکار، ارائه‌ی
راهکار، برنامه‌ریزی، به عهده‌ی چه کسی
است؟ این به عهده‌ی جریان‌های
حلقه‌های میانی است. این، نه به
عهده‌ی رهبری است، نه به عهده‌ی
دولت است، نه به عهده‌ی دستگاه‌های
دیگر است؛ [بلکه] به عهده‌ی
مجموعه‌هایی از خود ملّت است که
خوشبختانه امروز ما این را کم هم
نداریم. ما نخبه‌های فکری در زمینه‌های
گوناگون مورد نیاز در میان جوانان، در

میان مسئولین خودمان داریم. اینها
میتوانند بنشینند برنامه‌ریزی کنند و
هدایت کنند. تشکّل‌های دانشجویی از
این قبیلند، مجموعه‌های باتجربه و فعال
در زمینه‌های فرهنگی و فکری و مانند
اینها از این قبیلند و هر که هم در این
زمینه‌ها فعال‌تر باشد، مؤثرتر است؛ یعنی
زمام‌کار دست کسانی است که فعالیت
کنند^۱..

مخاطب قرار گرفتن جوانان مؤمن متعهد برای یک قیام
عمومی و قیام لله است؛ قیام برای اینکه جامعه اسلامی شود و
دستگاه‌ها اسلامی شوند و به سمت تمدن نوین اسلامی حرکت کنیم
و برای جامعه‌سازی و برای فرهنگ‌سازی و این قیام توسط مردم
صورت بگیرد. بیان می‌دارند که حرکت عمومی زمانی محقق خواهد
شد، که جوان مؤمن متعهد انقلابی در قالب دو نقش به میدان
بیایند: الف) افرادی که دارای ذهن فعال و زبان گویا هستند؛ ب)
افرادی که می‌توانند نقش حلقه میانی ایفا کنند.

^۱ بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان (۱۳۹۸/۰۳/۰۱).

۷. حس ضرورت برای نقش آفرینی

مسئله به میدان آمدن حضور جوانان و مردم حزب الهی و علت اینکه تاکنون چنین اتفاقی رخ نداده، دارای مجهولتی است. یکی از مهم ترین این مجهولات، حس ضرورت است؛ احساس ضرورت برای به میدان آمدن و نقش آفرینی در عرصه های گوناگون مهم ترین معضله پیش روی جریان مؤمن انقلابی در جامعه است. حس ضرورت نه در عرصه های دفاعی و امنیتی و دفع خطر از نظام و انقلاب؛ چراکه در این عرصه ها همواره حس ضرورت در مردم وجود داشته و دارد. در حوادث و اتفاقاتی همچون جنگ، سیل، زلزله، کرونا و ... زمانی که این مردم مؤمن احساس کرده اند که تکلیف و وظیفه ای بر دوش آنهاست و باید کاری انجام دهند، متعهدانه به میدان آمده و نقش خود را ایفا کرده اند. لکن در رغم زدن حرکت عمومی، این حس در میان همین مردم وجود ندارد. حس ضرورت از جنس حس تشنگی است؛ مانند شخص تشنه ای که به جرئه ای آب نیاز دارد اما آن را نزد خود نمی یابد، لذا در جست و جوی آب به تکاپو می افتد تا از خود رفع حاجت تشنگی کند. زمانی که حس تشنگی به انسان دست

می‌دهد، ضرورت اینکه باید کاری انجام دهد تا این نیاز را از خود برطرف کند به او دست می‌دهد.

بدن انسان در روزی به هشت لیتر آب نیاز دارد. غالب افراد روزی هشت لیتر را نمی‌خورند، بلکه به اندازه‌ای آب می‌نوشند که حس ضرورت و تشنگی به آن‌ها دست می‌دهد تا نهایتاً به اندازه یک لیتر الی دو لیتر آب بنوشند؛ حال آنکه آن شش لیتر دیگر را چون حس ضرورت به آن‌ها دست نمی‌دهد نمی‌آشامند. دقیقاً مشکل حرکت عمومی در گام دوم در تشبیه این حالت است که بروز می‌دهد. زمانی مردم حرکت می‌کنند که با رخدادی همچون جنگ مواجه می‌شوند و ارتشی قدرتمند را نمی‌بینند که از آن‌ها دفاع کند؛ لذا خود اسلحه به دست گرفته و به میدان می‌آیند. حرکت مردم در اموری از این قبیل، به این نحو است و همچنان است در سیل، زلزله، حوادث طبیعی مثل کرونا و ... که موقعیت‌های مخاطره‌آمیز هستند، ضرورت عمل و به میدان آمدن برای آن‌ها بدیهی است. طبیعتاً وقتی احساس ضرورت ایجاد می‌شود، دیگر صحبت از اینکه آیا می‌شود کاری کرد یا نه رنگ می‌بازد؛ او در هر عرصه‌ای که بتواند کاری کند، به میدان خواهد آمد.

۸. مردم یا مسئولین؟

بسیاری از مسائل و مشکلات امروز جامعه و مطالباتی که رهبری از دستگاه‌های گوناگون داشته‌اند به این دلیل حل نشده و بی‌سرانجام باقی مانده‌اند که مردم در آن عرصه‌ها ورود و نقش‌آفرینی مؤثری نکرده و نداشته‌اند. امروز اما دیگر نمی‌توان مردم را از نظرگاه به دور داشت؛ در گام دوم انقلاب اسلامی که صحبت از به دوش کشیدن بارهای سترگ انقلاب همچون جامعه‌سازی، دولت‌سازی، فرهنگ‌سازی، اسلامی کردن دستگاه‌های نظام، تمدن‌سازی و ... است، تجربه انقلاب اسلامی ثابت کرده است که بدون حضور و نقش‌آفرینی مردم هیچ‌یک از این امور به سرانجام نخواهد رسید و از دست کسی غیر از مردم متعهد و مؤمن و انقلابی تحقق این امور برنمی‌آید. شأن رهبری، راهنمایی کردن است اما آن کسانی که باید در میدان بیایند، مردم مؤمن متعهد حزب‌اللهی هستند. اساساً، یاری دین خدا را مؤمنین انجام می‌دهند لکن امروز با یک انگاره غلط در میان اکثریت همین قشر مؤمن مواجه هستیم و آن اینکه فکر می‌کنند دستگاه‌های نظام مسئول این کارها هستند و رهبری باید از همین دستگاه‌ها و مسئولیت مطالبه کند. این انگاره غلط از این امر نشأت می‌گیرد که متأسفانه جامعه مؤمنین متوجه این امر نمی‌باشد که تذکرات، اوامر، نواهی و مطالبات رهبری از مسئولیت بر ثمر

نخواهد نشست مادامی که خواست مردم، مطالبهٔ مردم، حضور مردم و نقش آفرینی مردم را به دنبال نداشته باشد؛ حرکت مردم است که موجب حرکت دستگاه‌های حاکمیتی می‌شود. چنانکه در دفاع مقدس و جنگ هشت ساله، حضور مردم در جبهه‌های جنگ بود که موجب حفظ نظام و دستگاه‌های حاکمیتی گردید. اگر مردم در جنگ شرکت نکرده بودند، آیا خرمشهر آزاد می‌شد؟ مردم می‌خواستند که خرمشهر آزاد شود، به پا خواستند، در جنگ حضور پیدا کرده و نقش مؤثر و بلکه نقش اصلی ایفا کردند. فقط ارتش به تنهایی نمی‌توانست از پس جنگ بربیاید؛ آن هم ارتش کشوری که در آن انقلاب شده است و ثبات لازم را نداشته و شرایط ایستادگی در برابر ارتش تا دندان مسلح بعث را دارا نبود. این به میدان آمدن مردم برای نقش آفرینی مؤثر را نباید صرفاً در جنگ خلاصه کرد؛ بلکه این مثال و تجربهٔ عینی پیش روی ماست که باید آن را به همه مسائل کشور تسری داد. آیا مسائل اصلی ما فقط جنگ و سیل و زلزله و محرومیت و کرونا است؟ در حالی که جامعه ایران با کرونای فرهنگی گریبان‌گیر است که بسیار خطرناک‌تر از بیماری کرونا، مسائل اقتصادی، هجمه‌ها و شبهات سیاسی و ... است آیا نباید این توقع را جوانان مؤمن و متعهد داشت که همچون روزگاری که در بیماری کرونا به میدان آمدند و با تلاش خود توانستند جامعه را در برابر این بیماری

مقاوم کنند، به میدان آمده و این بار با حضوری دائم و خستگی ناپذیر در حوزه‌های فرهنگی در برابر هجمه‌های فرهنگی کشور را مقاوم کنند. اگر بنا بود همه چیز به دستگاه‌ها و ساختارهای حاکمیتی واگذار شود که اساساً، امروز با وضعیتی بدتر مواجه بودیم و اندک مقاومت جامعه به دلیل حضور و مقاومت همین جریان مؤمن و متعهد است. لکن امروز این مقاومت باید به صورت یک حرکت عمومی دربیاید؛ این حرکت عمومی برای به میدان آمدن مردم، نیاز و احتیاج دارد به فکر، برنامه‌ریزی، هدایت و تمرکز. این کار چه کسی است؟ این هدایت و این برنامه‌ریزی و پیگیری لحظه به لحظه، تمرکز، راهکار پیدا کردن برای اینکه مردم به میدان بیایند، برای جامعه‌سازی و برای اقدامات ایجابی از قبیل جامعه‌سازی و دولت‌سازی، کار هیچ دستگاه حاکمیتی نیست؛ بلکه کار مردم و جریان‌هایی از خود مردم است.

۹. الزامات اولیه برای شروع حرکت عمومی

حرکت عمومی در گام دوم باید منضبط و معقول باشد و لازم‌هاش این است که افراد محوری این حرکت واجد ویژگی‌هایی باشند. اولاً مخالفین شرایط امروز انقلاب و صحنه‌های نبرد آن را با دشمنان خارجی و داخلی به درستی بشناسند و توان تحلیل شرایط و

ریشه‌یابی مشکلات و شناخت موانع پیش‌رو را داشته باشند؛ همچنین بر صحنه‌های مختلف موردی که میدان رزم و عملیات آن‌ها را تشکیل می‌دهد اشراف داشته باشند، تا دچار خطا، یا انحراف در برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات هدایتی خود نشوند. ثانیاً جهت‌گیری حرکت‌ها را به سمت اسلامی شدن دستگاه‌ها و جامعه قرار دهند و برای جهت‌دهی اسلامی، می‌بایست توانمندی‌های لازم را در خود ایجاد کنند. ثالثاً می‌بایست عوامل امیدبخش را در خود تقویت کنند و قادر باشند با یأس‌پراکنی‌ها مقابله کرده و نقاط روشن امیدبخش را شناسایی و تبیین کنند. حتی قدرت تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها را داشته باشند. همچنین قدرت غلبه بر فضای موجود خودتخریبی را که متأسفانه با غفلت نیروهای انقلابی در حال گسترش است، دارا باشند. براین اساس، باید توجه داشت که اگر این الزامات وجود نداشته باشد، حرکت عمومی به سمت اهداف انقلاب پیش نمی‌رود و با منحرف می‌شود.

۱۰. نقشه عملیاتی حرکت عمومی

از منظر رهبر معظم انقلاب، حرکت عمومی برای شروع نیازمند دو گروه از افراد است: الف) جریان‌های حلقه‌های میانی که باید مدیریت این حرکت را عهده‌دار شوند. افراد و گروه‌هایی که اجرا،

پیاده‌سازی، مدیریت و عملیاتی کردن این حرکت را با هدایت مردم و کنشگران حاضر در صحنه، برنامه‌ریزی، تمرکز و پیگیری لحظه به لحظه از ایشان پیش می‌برند. ب) ذهن‌های فعال و زبان‌های گویا که باید حس ضرورت به میدان آمدن را در مردم ایجاد کنند. یعنی آن کسانی که قدرت بیان و قدرت نفوذ کلام دارند و علاوه بر تبیین امور، انسان‌ها را متوجه قرار گرفتن در موقعیت ضرورت می‌کنند و با ایجاد این حس در آن‌ها، ایشان را به میدان می‌کشانند. این ساختار پیش رو، در واقع یک نسخه عملیاتی است که رهبری در اختیار جوانان مؤمن انقلابی قرار داده تا بتوانند بدین وسیله مردم را برای حل مسائل مهم انقلاب اسلامی در گام دوم ازجمله جامعه‌سازی به میدان آورند. جامعه‌سازی یعنی نه فقط حفظ نظام بلکه به معنای ساختن و پیشبردن آن است. حفظ کردن، در زمان‌هایی معنادار می‌شود که قرار باشد از یک چیزی مثل یک باغ پرثمر در برابر دزدانی که می‌خواهند میوه‌ها را ربایند، یا کسانی که بواسطه دشمنی بخواهند باغ را به آتش بکشانند، یا آفاتی که بخواهند زمین و درختان را خشک کنند و مواردی از لین قبیل محافظت شود. در این مواقع کارهایی همچون سم زدن به دختان، دیوار کشیدن دور باغ و ... به عنوان محافظت انجام می‌شود. اما اگر بخواهیم این باغ میوه‌های بیش‌تر و بهتری دهد، باید برای آن خاک خوب فراهم کرد، به موقع

به آن آب داد، پای آن کود ریخت و ... تا این باغ به بار بنشیند. یکی از تفاوت‌های گام اول انقلاب اسلامی با گام دوم آن، در همین حفظ کردن و ساختن است. در گام اول انقلاب، جنس کارهایی که غالباً مردم برای انقلاب می‌کردند، حفظ کردن آن از گزندهایی بود که متوجه آن بود اما در گام دوم، قرار است این انقلاب پیش برود و به ثمر بنشیند. در این گام جنس فعالیت مردم دیگر تنها حفظ انقلاب نیست بلکه باید در ساحت‌های مختلف به پیشرفت آن کمک کنند. شروع این ساختن و پیش رفتن، حضور حلقه‌های میانی و ذهن‌های فعال و زبان‌های گویا است. این دو قشر هستند که با تبیین و ایجاد حس ضرورت و در ادامه با هدایت و راهبری اقشار مختلف مردم مؤمن و انقلابی، زمینه حضور آنان در میدان‌های نقش‌آفرینی را میسر می‌کنند. شرط تحقق حرکت عمومی، انجام تبیین و هدایت است که توسط ذهن‌های فعال و زبان‌های گویا و همچنین جریان‌های حلقه‌های میانی انجام می‌پذیرد.

۱۱. گفتمان‌سازی عام

علی‌رغم اینکه پیرامون مسأله گفتمان‌سازی صحبت‌های بسیاری به میان آمده است و صاحب‌نظران مطرحی در این زمینه

ورود پیدا کرده‌اند اما کم‌تر موضوعی از موضوعات اساسی جمهوری اسلامی را می‌توان برشمرد که که توسط ایشان تبدیل به گفتمان مطرح در جامعه شده باشد. در این میان اما ولیّ جامعه در موضوعات مختلف خود به میدان گفتمان‌سازی ورود پیدا کرده‌اند و توانسته‌اند مطالبهٔ عمومی جامعه را در موضوعاتی همچون عدالتخواهی، نهضت نرم‌افزاری، اقتصاد مقاومتی و ... سمت و سوق دهند.

«یک روزی یک چیزهانی گفته می‌شد که به گوش‌ها سنگین می‌آمد. من یک روزی مسئله «تولید علم» را مطرح کردم، بعد دیدم بعضی جاها نشسته‌اند روی کلمه «تولید علم» دارند خدشه می‌کنند- حالایک مناقشه لفظی- که علم قابل تولید نیست! امروز این به صورت یک گفتمان قطعی در آمده؛ شماها گله‌مندید از اینکه این کار در مقطع خاص خودش پیش نمی‌رود. این خیلی پیشرفت است. بنابراین بایستی کارکرد. و کار کنید، فکر کنید، حتماً تاثیر

دارد^۱... هدف دومی که ما از تشکیل این جلسه داشته‌ایم، این است که یک فرهنگ و یک گفتمان، اول در میان نخبگان و به تبع آن در سطح عموم جامعه به وجود بیاید. همین حرف‌هایی که شما امشب بیان کردید، وقتی در سطح جامعه منتشر شود، ذهن نخبگان و سپس ذهن عموم مردم را به یک سمت اساسی سوق خواهد داد، اندیشیدن در مورد الگوی توسعه و مدل حرکت به سمت جلو، احساس اینکه باید در این زمینه مستقل باشیم و روی پای خودمان بایستیم، عیوب وابستگی و تکیه کردن به الگوهای بیگانه گسترش خواهد یافت. ما امروز به این احتیاج داریم. متأسفانه جامعه نخبگانی ما هنوز در بخش‌های مهمی از این مسئله به یک نتیجه صحیح و درست نرسیده‌اند که این

باید اتفاق بیفتد و به حول و قوه الهی اتفاق خواهد افتاد^۱... دنبال این باشیم که محیط دانشجویی تصمیم‌سازی کند؛ یعنی گفتمان‌سازی کنید. ببینید بنده وقتی مسئله نهضت نرم‌افزاری را خواستم مطرح کنم، قبل از همه در دانشگاه با دانشجویها مطرح کردم حدود ده سال قبل. نه با وزارت‌ها صحبت کرده بودم، نه با رئیس‌جمهور وقت صحبت کرده بودم، نه حتی با اساتید صحبت کردم؛ اول بار در دانشگاه امیرکبیر این فکر را به میان آوردم. امروز شما ببینید این یک گفتمان است، یک مطالبه عمومی است، یک خواست همه دانشگاه‌های کشور است. که من هرجا هم می‌روم، از زبان دانشجوی مطالبه‌اش را می‌شنوم؛ از زبان استاد و مدیر، اجرایش را در یک مرحله دیگر می‌شنوم، و اجرا هم دارد می‌شود. همین نوآوری‌های علمی بسیار بخشی از انگیزه و توان خودش را از این

شعار گرفته: «تصمیم‌سازی کنید»،
«گفتمان‌سازی کنید». این، مجری و مسئولین
اجرایی را می‌کشاند دنبال این تصمیم، و
تصمیم‌گیری خواهند کرد و عمل خواهد شد^۱.

لکن در تمام موضوعات نمی‌توان این توقع را از رهبری داشت
که یک‌تنه به گفتمان‌سازی بپردازند. ایجاد خواست، مطالبه و حرکت
در میان مردم احتیاج به افرادی غیر از رهبری دارد که به عونیت ولی
جامعه بپردازند؛ لایه‌های از نخبگان جامعه به تبیین موضوعات،
گفتمان‌سازی و مدیریت نحوه ورود مردم می‌پردازند. در منطق
حرکت عمومی، این امر بر دوش همان افرادی است که ذهن‌های
فعال و زبان‌های گویا و همچنین جریان‌های حلقه‌های میانی
شناخته می‌شوند. گفتمان‌سازی حرکت عمومی توسط این افراد و
جریان‌ها امر دشوار و پیچیده‌ای است و علت این امر را بیش از هر
چیز باید در همان عدم حس ضرورت در مردم و همچنین مخالفت
دستگاه‌ها و ساختارهای حاکمیتی برای به میدان آمدن مردم
دانست.

۱۲. مخالفت دستگاه‌های حاکمیتی برای به میدان آمدن

مردم

در واقع مانع دیگری که سبب شده است در موضوع حرکت عمومی مردم به میدان نیایند و مسئولیت پیش بردن این حرکت را بر شانه‌های خود احساس نکنند، این است که خود دستگاه‌ها مخالف این به میدان آمدن مردم و نقش آفرینی آن‌ها هستند. چنانچه از تجربه بسیاری از جوانانی که نقش میدانی دارند نیز برمی‌آید، اکثر دستگاه‌ها نمی‌خواهید که مردم حضور داشته باشند و مسائل جامعه به دست مردم حل شود. برای اینکه این امر را به معنای دخالت در کارشان فهم می‌کنند. قبول کردن نظارت مردم برای دستگاه‌های حاکمیتی غالباً امر دشواری است چرا که آن‌ها در موقعیت پاسخگویی به مردم، شنیدن مطالبات آن‌ها، عمل به خواست مردم قرار می‌دهد. پرسش‌هایی از این دست غالباً برای آن‌ها آزاردهنده است: آقای فلان اداره که چرا وظیفه خود را در این راستا انجام نمی‌دهی؟ چرا این کار را درست انجام نمی‌دهی؟ علی‌رغم داشتن بودجه چرا نسبت به این مسأله بی‌توجه هستی و به آن واقعی نمی‌گذاری؟ چرا فساد می‌کنی؟ چرا با فساد و افراد فاسد برخورد نمی‌کنی؟ و لذا شاهد این هستیم که امام خمینی^(ه) فرمودند مردم باید نظارت داشته باشند و در مبانی حکمرانی ما نیز از جمله نهج البلاغه، امیرالمؤمنین (ع) بارها به

این امر تذکر می دهند، اما دستگاه های دولتی اصل این امر را به زیان خود می بینند. لذا نه تنها مخالفت می کنند، بلکه با شروع چنین حرکاتی از ابتدا برخورد می کنند و از طریق سنگ اندازی ها در مسیر حرکت مردم، راه آن ها را بسته و ایشان را متوقف می کنند. و البته این از نجابت مردم ماست که در مواجهه با چنین پدیده ای، اشکال را متوجه خود می کنند و نه آن نهاد حاکمیتی. «حتماً کار ماست که مشکل دارد!». حال آنکه نباید به سادگی در برابر مخالفت دستگاه ها کوتاه آمد. مردم نباید خسته شوند و کوتاه بیایند در برابر توجیهات، سنگ اندازی ها و مخالفت هایی که آن ها را نسبت به مسائل جامعه بی اهمیت می خواهد. بلکه باید خود را مخاطب این آیات نورانی از کلام خداوند قرار داد که: «و لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط». این مردم هستند که باید برای تحقق قسط قیام کنند. اگر مردم برای قسط و عدالت قیام نکنند، محقق نمی شود و دستگاه ها کاری را پیش نخواهند برد. این کافی نیست که بگوییم مردم یک بار انقلاب کردند، حال به خانه های خود بروند و امور جامعه را به دستگاه های حاکمیتی بسپارند.

استقرار عدالت در تمام زمینه‌ها و حوزه‌های گوناگون، نیازمند قیام و میدان‌داری مردم است. اساساً حرکت عمومی در گام دوم انقلاب که به دنبال اسلامی کردن دستگاه‌ها است، بیان همین معنای از قرآن کردیم است که مردم باید برای تحقق عدالت و قسط یک حرکت قیام‌گونه‌ای را رقم بزنند و مسائل حل نخواهد شد مگر با حضور مردم و عمل در میدان آن‌ها. برای حل مسائل کشور، مردم هم باید بخواهند و هم باید در میدان عمل بیایند. لذا درست است که نهادها و دستگاه‌های مختلف حاکمیتی هر کدام مشغول پرداختن به مسائل کشور هستند اما اصل این است که در نهایت مسائل به دست مردم حل می‌شود و یکی از کارهای اصلی این دستگاه‌ها این است که مردم را به میدان بیاورند.

«کار وقتی دست خود مردم
سپرده شد - که صاحبان کشورند،
صاحبان آینده‌اند - آن وقت کارها به
سامان خواهد رسید. تدبیر مسئولان در
هر برهه‌ای از زمان در دوران جمهوری
اسلامی، باید این باشد؛ کارها با تدبیر، با
برنامه‌ریزی، با ملاحظه‌ی همه‌ی ظرایف
و دقایق در اختیار مردم گذاشته بشود؛

آن وقت کارها پیش خواهد رفت. ما هم از
اول انقلاب تا امروز هر وقتی هر کاری را
محوّل به مردم کردیم، آن کار پیش رفته
است^۱... کلید اصلی، اینجا است: حضور
مردم در همه‌ی مسائل، حل‌کننده‌ی
مشکلات است. آن چیزی که حضور مردم
را تأمین بکند، مردم را تشویق به حضور
در عرصه و در میدان بکند - میدانهای
مختلف مورد ابتلای کشور - مغتنم است.
و حضور مردم هیچ جایگزین دیگری
ندارد؛ هنر اصلی انقلاب هم همین بود؛
هنر اصلی انقلاب این بود که جمهور
مردم را از یک مجموعه و توده‌ی منفعل
و مصرفی و فاقد یک نگاه ملّی و عمومی،
تبدیل کرد به یک مجموعه‌ی پُرانگیزه،
علاقه‌مند، همّت‌دار، هدف‌دار،

^۱ بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی (۱۳۹۳/۱۱/۲۹).

آرمان خواه، و وارد میدان کرد؛ کار بزرگ
انقلاب این بود^۱».

اساساً حقیقت مردم سالاری دینی در همین امر متجلی است که اراده مردم در چارچوب دین حاکم و سالار باشد. لذا آنچه رهبری عزیز از حرکت عمومی مراد می کنند را باید ذیل معنای مردم سالاری دینی و از تجلیات آن به شمار آورد؛ چراکه مردم سالاری دینی جز این نیست که مردم در میدان حرکت عمومی آمده، مطالبه کنند و قیام کنند برای قسط و عدل و در این مقام فرقی میان حزب الهی و غیر حزب الهی نیست؛ حرکت عمومی تمام مردم را در برمی گیرد. استفاده رهبر انقلاب از واژه «کلید اصلی»، نشان دهنده مسأله مهم قفل شده ای است که می بایست با این کلید باز شود. با توجه به اینکه حضور مردم همراه با میل و اراده و عزم راسخ آن ها برای حل مشکلات بزرگ و بحران های اجتماعی، مسأله اصلی انقلاب است، بیان رهبری مبنی براینکه مسئولین باید بتوانند با مهارت و ابتکار راه هایی را برای حضور مردم پیدا کنند، نشان می دهد باز شدن این قفل از عهده مسئولان و رؤسا خارج است و به مردم محل شده است.

^۱ بیانات در مراسم تنفیذ حکم سیزدهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران

مردم سالاری دینی همان «لیقوم الناس بالقسط»^۱ است. آوردن اراده‌های مردم در میدان مسائل گوناگون، کار بزرگی است از جنس جهاد و جهادی به مراتب سخت‌تر از جهاد نظامی و به اصطلاح جنگ. زیرا چنانکه به میان آمد، در هنگامه و آوردگاه جنگ و یا بلایای طبیعی همچون سیل و زلزله، یک احساس ضرورت در مردم یا حداقل بدنه قابل اعتنایی از مردم شکل می‌گیرد که میدان بیابند و با مشکلات پیش رو، مقابله کنند و باری را به دوش بکشند. اما در مسأله حرکت عمومی، از آن جهت که حس ضرورت به صورت طبیعی در مردم وجود ندارد و مردم عمق مشکلات و مسائلی که با آن‌ها روبه‌رو هستند را درک نمی‌کنند، پا به میدان نمی‌گذارند. از طرفی انگاره‌های غلط ذهنی در مردم که حل مسائل را به عهده دولت می‌گذارد و برای خود نقشی قائل نشده و یا نقش حداقلی قائل است، مانع از ورود مردم می‌شود. و در نهایت به فرض آنکه حس ضرورت ایجاد شود و مردم برای خود نقش قائل شوند، دستگاه‌های دولتی مخالف و سنگ اندازی‌ها را شروع می‌کنند. بنابراین، یکی از موانع

^۱ لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (سوره مبارکه الحديد، آیه ۲۵).

برای حرکت مردم در گام دوم انقلاب، همکاری نکردن و عدم استقبال از فعالیت‌های گروه‌های مردمی توسط دستگاه‌های اجرایی است. احساس می‌کنند مردم می‌خواهند در کارها دخالت و نظارت کنند و اگر خطایی است تذکر دهند، اما در گام اول انقلاب این طور نبود و درخواست مشارکت دستگاه‌های اجرایی از مردم برای انجام کارها بیشتر بود. لذاست که آوردن مردم به میدان حرکت عمومی در گام دوم و حضور و استقامت آن‌ها برای ماندن در این راه، جهاد بزرگ توأم با سختی‌ها و مرارت‌های زیاد است که مبارزه خستگی‌ناپذیر می‌طلبد. باید حرکت‌ها، عزم‌ها، اندیشه‌ها و جوشش‌ها همچون زمان مبارزات زمان طاغوت و جنگ خودجوش و خودکار باشد.

«یک چیزی بنده در مورد دانشجویها در دو کلمه عرض بکنم. آنچه ما از بچه‌های دانشجوی، از شما جوان‌های عزیز که من خیلی به شماها واقعاً علاقه مندم، انتظار داریم این است که شماها باید خودجوش باشید، باید خودکار باشید، باید منتظر این نباشید که شما را به کار وادار کنند؛ بخصوص جوان‌هایی که مثلاً مربوط به تشکّل‌های گوناگون دانشجویی هستند. باید خودکار حرکت کنید، باید بچه‌هایی که اهل اندیشه هستند؛ بعضی‌ها هستند

در اندیشه ورزشی پیشرو هستند، بعضی‌ها در حرکت‌های اجرائی پیشرو هستند؛ هر کدام در هر قسمتی که توانایی‌اش را دارید بایستی خودجوش و خودکار باشید؛ مثل مبارزات مبارزین زمان طاغوت. خب، اگر باور میکنید ما هم یک وقتی هم سنّ شما بودیم، یک زمانی در همین دوره [بودیم]. اتفاقاً در این سنین دوران مبارزات بود. واقعاً آن روز ماها خودجوش حرکت میکردیم. نمیخواهم حالا من راجع به خودمان حرف بزنم اما یک واقعیتی است. آن روز - در آن سالهای مبارزه - کسی بالای سر ما نبود؛ نه حزبی بود، نه سازمانی بود، نه جمعیتی بود؛ [تنها] امام بزرگوار بود [آن هم] در نجف یا در ترکیه. گاهی اوقات یک پیامی از امام می‌آمد، یک اعلامیه‌ای می‌آمد، خونی در رگهای ما به جریان می‌انداخت و ما را هدایت میکرد. خب موانع هم زیاد بود؛ هم کتک بود، هم زندان بود، هم موانع پولی بود، هم گرسنگی کشیدن بود، از این چیزها هم بود اما در عین حال حرکت می‌کردیم، پیش می‌رفتیم.

جوان‌ها امروز باید این جوری حرکت کنند؛ مثل
مبارزات مبارزین دوران طاغوت^۱».

و نکته غم‌انگیز ماجرا، در این امر نهفته است که برنامه‌ریزی
و حرکت باید همچون زمان مبارزات طاغوت باشد؛ چنانکه در مبارزه
برای حرکت عمومی همچون مبارزات زمان طاغوت، فعالین و افراد
پیشرو با موانعی روبه‌رو بودند از قبیل زندان رفتن، گرسنگی کشیدن،
از کار بیکار شدن، بی‌حیثیت و بی‌آبرو شدن و ... و وجه تشبیه این
دوران با آن دوران در این امور، از همین حیث مخالفت دستگاه‌های
حاکمیتی است. باید با این امور مبارزه کرد و راه را برای به میدان
آمدن جوانان و مردم مؤمن انقلابی باز کرد.

۱۵. تبیین برای مردم

کسانی که با شبهه وارد کردن و ترساندن، مردم را از وارد شدن
به این عرصه باز می‌دارند، التفات به آیه مباهکه «لیقوم الناس و
بالقسط» ندارند؛ حال آنکه این امر یک وظیفه بر دوش همه مردم
است. لذا اولویت اصلی متذکر شدن این امر به مردم است که باید در
میدان‌های حل مسائل انقلاب اسلامی قدم بگذارند و این متذکر

^۱ بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۸/۰۳/۰۱.

شدن نیازمند تبیین دارد. چه کسانی باید این تبیین را برای عموم مردم انجام دهند؟ گروه‌هایی از خود مردم که همان ذهن‌های فعال و زبان‌های گویا هستند، باید این تبیین را انجام دهند و این حلقه‌های میانی هستند که باید ذهن‌های فعال و زبان‌های گویا را شناسایی کرده و با تلاش و برنامه‌ریزی مؤثر آنان را جمع و بلحاظ گفتمانی آماده حضور در میدان تبیین کنند. این امر خود نیازمند جلسات و نشست‌هایی از جنس گفتمان‌سازی حرکت عمومی است. در واقع فرایند این گفتمان‌سازی برای تبیین حرکت عمومی ابتدا باید از رهگذر ذهن‌های فعال و زبان‌های گویا بگذرد که می‌توانند با مردم ارتباط برقرار کرده، با آن‌ها سخن بگویند و آن‌ها را متذکر کنند. لذا ابتدا باید این جمع را شناسایی کرد و آن‌ها را در جریان چگونگی حرکت در گام دوم که همان نقشه راه حرکت عمومی است، قرار داد. این شناسایی، دسته‌بندی، سطح‌بندی، برنامه‌ریزی، جمع کردن این افراد، آموزش و تربیت آن‌ها، توانمندسازی ایشان و مسائلی از این دست، بر عهده حلقه‌های میانی است. مجموع این کارها به نتایجی همچون تبیین حرکت عمومی برای این افراد، رفع ابهام‌ها و شبهات در این زمینه و ایجاد انگیزه در آن‌ها می‌شود تا مردم را با این حرکت همراه کنند.

حضور غیرمؤثر و پراکنده مردم مؤمن و متعهد، مسائل مختلف و مشکلات جامعه را حل نخواهد کرد و می‌بایست حضور به صورت جبهه‌ای و میلیونی اتفاق بیفتد. یعنی مردمی با ایمان در قالب گروه‌های متنوع و متکثر باید به میدان آمده و با عزمی راسخ و به صورت خودجوش و شبکه‌ای به نقش‌آفرینی در حل مسائل مختلف محله و شهر خود بپردازند. حضور میلیونی و سازماندهی شده مردم و نوع به کارگیری آن‌ها در دفاع مقدس، تجربه ارزشمندی برای انقلاب است. لکن تفاوت‌های عمده‌ای با حضور خودجوش مردم و عمل آتش به اختیار آن‌ها در قالب گروه‌های کوچک مردمی در گام دوم انقلاب دارد و همین تفاوت‌ها و پیچیدگی‌هاست که آن را به یک مسأله اصلی برای انقلاب تبدیل کرده و کلید حل آن به دست جوانان متعهد و انقلابی است.

۱۶-۱. یک درصد!

سال ۹۸، چنین تصور می‌شد که با توجه به تلاش‌هایی که از سال ۹۰ در جبهه فرهنگی انقلاب شکل گرفته بود، مجموعه شناسایی‌ها، ارتباط‌گیری‌ها، سازمان‌دهی‌ها، فرماندهی و سامان‌دهی گروه‌های فرهنگی مردمی که مجموعاً حدود ۵۰ هزار مؤسسه و گروه و هیئت و ... را شامل می‌شدند و ذیل قرارگاه فرهنگی اجتماعی بقیه

الله الأعظم شکل گرفته و فعالیت می کردند، ۱۰ درصد مردم امروز در میدان هستند. در جلسه‌ای به حضور رهبر معظم انقلاب رسیدیم، این گزارش به ایشان داده شد و اینکه ده درصد مردم در میدان هستند، لبخندی زدند و فرمودند که خیر! ده درصد نشده است؛ یک درصد هم نشده است. یعنی حدود یک درصد مردم مؤمن حزب الهی پای کار آمدند نود و نه درصد دیگر ماندند. مردان مؤمن حزب الهی چگونه باید پای کار بایند؟ به این شکل که هر کسی هر توانی که دارد و با هر علاقه‌ای که دارد در میدان نقش آفرینی بیاید.

۱۶-۲. قیام جمعی؛ گروه‌سازی

در هر عرصه‌ای در قالب گروه‌های دو، سه نفر؛ به صورت مثنی و نه فردی برای خدا قیام کند. البته آن جا خداوند متعال می‌فرماید که مثنی و فردی اول مثنی را می‌گوید و بعد فردی؛ یعنی مثنی اولویت دارد. حالا اگر یک جمعی هم پیدا نشد، انفرادی هم مورد قبول است ولی حتماً در حرکت عمومی، کارها و فعالیت‌ها باید به صورت گروهی باشد تا اثر بگذارد. جمع افراد باید در میدان بایند. گروه تشکیل دادن و فعالیت جمعی، کار سختی نیست اما در نظر مردم کار پیچیده و دشواری می‌آید. لذا این پرسش رایجی است که چگونه باید به صورت جمعی کار کرد؟ چه باید کرد که این جمع شکل

بگیرد؟ اولاً نیازی نیست در مقیاس بزرگ به دنبال حل یک مسأله کشوری یا استانی باشیم. بلکه در مقیاس یک محله کوچک، گروه‌های مختلفی در موضوعات گوناگون باید شکل بگیرند. به عنوان مثال، یک گروه در مورد موضوع حجاب و عفاف شکل بگیرد، گروه دیگری در موضوع تربیت جمع شوند و کار کنند، گروه دیگر یا موضوع جمعیت به فعالیت پردازند و بسیاری موضوعات گوناگون و متفاوت دیگر که هر کدام فعالیت‌های مختلفی را ایجاب می‌کند. لذا با تمرکز بر مقیاس‌های کوچک، می‌توان در هر عرصه مردم را دعوت به کار و حضور در این گروه‌ها کرد و از ظرفیت‌های مختلف مردم بهره گرفت. در این صورت است که آن نود و نه درصد دیگر نیز پای کار می‌آیند؛ لذا باید به گونه‌ای این حرکت را بسط داد که صد برابر ظرفیت فعلی فعال شوند. اگر در شهر شما امروز بیست الی پنجاه گروه کوچک در حال فعالیت هستند، این عدد باید صد برابر شود و به عنوان مثال به پنج هزار گروه مردمی در یک شهر کوچک تبدیل شود. در این صورت مردم سالاری دینی اتفاق می‌افتد. این اتفاق زمانی رقم می‌خورد که این جمعیت مردم مؤمن انقلابی حزب‌اللهی به میدان آمده و مسائل بقیه مردم را حل کنند؛ گاه به صورت مستقیم آن مشکل را حل کنند؛ گاه با مطالبه و پیگیری از نهادها و دستگاه‌های مربوطه عدالت و حق مردم را می‌ستانند؛ گاه با شناسایی خیرین و وصل کردن آن‌ها به

مردم نیازمند، حلقهٔ وصلی میام مردم شود. با آمدن مردم در میدان جهاد حل مسائل فرهنگی و اجتماعی، ما به سمت جامعهٔ اسلامی و دولت اسلامی نزدیک خواهیم شد. و این کار نباید در حد حرف باقی بماند؛ بلکه باید به اقدام مؤثر منجر شود. امروز ظرفیت‌های دانشجویی توان خود را در این کار به صورت حداقلی و در حد سخن و گفتار اعتراضی و مطالبه‌گرایانه در نشست‌ها و دیدارها به کار می‌برند؛ در صورتی که مطالبه‌گری زمانی مؤثر واقع می‌شود که خود این جریان در میدان عمل دست به اقدام بزند.

۱۷. توحید؛ عمل صالح و قیام الله

بی‌شک توحید به عنوان مهم‌ترین و محوری‌ترین اصل اعتقادی دینی است اما آنچنانکه باید به تعهداتی که این اصل اعتقادی بر دوش انسان مؤمن و متعهد می‌گذارد، واقف نیستیم. مهم‌ترین هدف انبیا ساختن یک جامعهٔ توحیدی و بدون تبعیض و بی‌عدالتی بوده است که با احکام الهی اداره گردد. انقلاب اسلامی نیز که در واقع استمرار حرکت انبیا است، همین اهداف را باید دنبال کند. شاید بزرگترین غفلت برای اهل ایمان، این باشد که فکر می‌کنند ایمان صرفاً یک امر قلبی است و عمل صالح فرع بر آن است. درحالی‌که بنا بر تنقل رهبری اگر تعهدات و عملی در برابر خدا و

دستوراتش احساس نکردیم، باید در مؤمن بودن خود شک کنیم. اگر معنای عمل صالح را انجام آن تعهداتی بدانیم که هر درجه‌ای از ایمانمان، سطحی از تعهدات را بر دوشمان می‌گذارد؛ آن وقت مسأله خواهد شد. اقدام برای حرکت عمومی به تنوع استعدادهایی است که خداوند به هر کسی به ودیعه نهاده است و آن توان و استعداد باید برای خدا و در راه خدا به کار گرفته شود و براساس بیانات رهبری در کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی، اساساً معنای توحید را باید به این نحو فهم کرد؛ چنانکه در ذیل آیه «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» متقین کسانی هستند که هرآنچه خداوند به آنان داده است انفاق می‌کنند و این اعم از دارای و مال است بلکه هر توان و ظرفیتی را شامل می‌شود.

«وقتی فهمیدیم که این استعداد [نخبگی] یا این همّت [مطالعه و تحقیق] از کجا آمده است، می‌فهمیم که کجا باید خرج شود، در کجا باید هزینه شود. خدای متعال معین فرموده است: هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ. الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ؛ باید

انفاق کنید؛ این رزق الهی است به شما، این رزق را باید انفاق کنید. انفاق رزق فقط این نیست که انسان پولی از جیبش در بیاورد و به یک مستمندی بدهد. این رزق بالاتری است، رزق بالارزش‌تری است، انفاق آن هم بالارزش‌تر است، باید این را انفاق کنید. انفاق رزقِ دانش این است که آن را در خدمت جامعه قرار بدهید؛ در خدمت تاریخ‌تان، در خدمت آینده‌تان، در خدمت ملت‌تان قرار بدهید. اینها تکلیفِ نخبگی را روشن می‌کند. انفاق این رزق به این است که آن را در راه خدا خرج کنید؛ برای خیر بندگان خدا مصرف کنید. مثتی هم نباید داشت - این را هم به شما عرض بکنیم - درست است که شما این رزقی را که خدای متعال به شما داده، صرف کسانی می‌کنید که

عامّه‌ی مردمند اما خود شما هم از
محصول کار و خدمت عامّه‌ی مردم
به طور دائم برخوردارید دیگر؛ این
بده‌بستان است. همین نانی که شما
می‌خورید، این لباسی که شما
میپوشید، این وسیله‌ای که از آن
استفاده می‌کنید و با آن رفت‌وآمد
می‌کنید، اینها محصول دست
کیست؟ محصول دست همین
کسانی است که اسم نخبه روی آنها
نیست؛ آنها دارند به شما خدمت
می‌کنند به نوعی؛ شما هم باید به
آنها خدمت کنید به نوعی؛ نخبه این
است. اگر چنانچه این اتفاق انجام
گرفت، آن وقت هدایت الهی و کمک
الهی هم دنبال آن است. ببینید، در
همین آیه‌ی شریفه: هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ؛
این کتاب، به متّقین هدایت اهدا
میکند. متّقین چه کسانی هستند؟

هَمَانِ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ
يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ.
وقتی شما این انفاق را انجام دادید،
جزو کسانی هستید که مشمول
هدایت الهی خواهید شد؛ این
هدایت، هم در زمینه‌ی افزایش
نخبگی است، هم در زمینه‌ی توفیق
در نوع هزینه کردن این نخبگی
است؛ هدایت می‌کند خدای متعال.
هدایت موجب می‌شود در هرجایی
که خلایی وجود دارد که شما
میتوانید آن خلأ را پر کنید، آنجا
حضور پیدا خواهید کرد؛ میدان فرق
نمی‌کند^۱... بنابراین، انفاق در قرآن
تنها پول دادن نیست. انفاق مالی در
برابر انفاقات دیگر بسیار ناچیز است.
انفاق این است که آنچه خدا به تو

^۱ بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در هشتمین همایش ملی نخبگان جوان (۱۳۹۳/۰۷/۳۰).

داده، برای دیگران انفاق کنی.
ازجمله ویژگی‌های منافق، عدم
انفاق است. منافقان برای غیر
خودشان انفاق ندارند و اموال و
دارایی‌های خود را در جایی به کار
می‌برند که نفعش عاید خودشان
شود. مردمی که وجودشان فقط
برای خودشان است، مصداقِ
«يَقْبِضُونَ أَئِدِيَهُمْ» هستند. مثل
اینها مثل کرم ابریشمی است که تمام
آب دهانش را دور خود می‌تند و بعد
در میان همان دیوار و حصاری که
به دست خود ساخته، می‌میرد و
چیزی هم درک نمی‌کند و بعد از او
منفعت آن را دیگری می‌برد^۱.

علاوه بر عام بودن معنای انفاق از منظر رهبر انقلاب، انفاق
دارای ویژگی‌های دیگری است؛ یعنی انفاق هرگونه خرج کردنی

^۱ تفسیر سوره براءت (۱۳۹۷/۰۳/۲۱).

نیست؛ بلکه انفاقی اهمیت دارد که به جا، به موقع و در اولویت باشد؛
انفاقی که دردی از دردهای مردم را دوا کند؛ انفاقی که خلّایی از
جامعه را پر کند.

«بی‌ارزش بودن انفاقِ منافقان،
در جایی که از سرِ ناچاری و کراهت
باشد، تصوّر آسانی دارد؛ اما آنجا که انفاق
از سرِ میل و اراده باشد، چرا پذیرفته
نمی‌شود؟ دلیل آن این است که
مسلمان باید خلّاً را بشناسد و همان خلّاً
موجود را پُر کند. وظیفه‌شناس کسی
است که در نوارِ زمان نظر کند و هر جا
یک نقطه کم بود، همان نقطه‌ی خالی را
پُر کند. اگر آن نقطه‌ی لازم را نگذاشتی و
آن خلّاً موجود را پُر نکردی، اگر صد
نقطه‌ی دیگر، در جایی دیگر گذاشتی،
فایده ندارد. باید ببینی چه لازم است و از

تو چه می‌خواهند، همان را انجام
دهی^۱».

۱۸. انسان‌های باهوش

چه بسا فرق صدقه با انفاق را در همین امر است. یک فقیری که نزد شما می‌آید و درخواستی دارد، شما ممکن است لاجرم چیزی به او می‌دهید؛ چیزی که الزاماً نیاز او نیست اما از جهت آنکه دست نیاز او را رد نشود، مردم چیزی به او می‌دهند. اما انفاق لزوماً خرج کردن نیست؛ بلکه خرج کردنی است که دردی را از جامعه رفع کند و این انفاق اعم از مال و دارایی است. موحد واقعی کسی است که متذکر باشد هرآنچه از قوت، استعداد، ظرفیت، مال و ... دارد، از ناحیه خداوند متعال به او ودیعه گذاشته شده است و باید آن را در راه خدا انفاق کند و به کار گیرد.

«وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ یعنی چه؟»

یعنی مؤمنین آن کسانی هستند که از آنچه
ما به آنان روزی کرده‌ایم - اسم مال در آن
نیست - از پولی که دادیم، از عمری که

^۱ تفسیر سوره براءت، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، صص ۳۵۱ تا ۳۶۰.

دادیم، از فرزندی که دادیم، از آبرویی که
دادیم، از توان جسمی و از زبان و فکر و
مغزی که دادیم، از همه امکاناتی که دادیم،
یُفِقون انفاق می^۲کنند. یعنی به جا خرج
می کنند، نه هر خرج کردنی. یکی از
نشانه های مؤمن این است ... ای برادرِ
مؤمن نام مؤمن نما، انفاق می کنی؟ نمی گویم
خرج می کنی یا نه؟ بلکه خرج می کنی، ... ولی
آیا انفاق هم می کنی؟ ... ای گوینده عزیز،
چقدر حرف می زنی؟ چقدر نفس می زنی؟ آیا
از این نیرو انفاق می کنی؟^۱»

بنابراین انسان مؤمن کسی است که نسبت به ظرفیت های
خود، آن مقداری را که متوجه نیاز خود اوست، استفاده کرده و مابقی
را در خدمت به خدا و خلق خدا به کار گیرد. لذا در مورد ذهن های
فعال و زبان های گویا نیز می توان چنین مسأله ای را مطرح کرد: ای
گوینده ای که این قدر برای مردم حرف می زنی و خود را خسته
می کنی، آیا انفاق هم می کنی و از این استعدادی که خدا به تو داده

^۱ طرح کلی اندیشه اسلامی، صفحه ۸۳.

است - این ذهن فعال و زبان گویایی که خدا به تو داده است - آیا انفاق می‌کنی؟ انفاقی که شرط ایمان است. آیا ذهن و زبان تو نیازی از مردم و خلأیی از جامعه را پر می‌کند؟ این نحو از انفاق، کار دشواری است؛ انفاق کار آدم‌های هوشمند است.

«انفاق آن چیزی است که یک خلأی را پر می‌کند. یک نیازی را برآورده می‌کند. پس انفاق کار همه کس نیست؛ انفاق کار مردمان باهوش است. آنهایی که خلأها و نیازها را می‌فهمند و حاضر می‌شوند به جا آن خلأها و نیازها را پر کنند»^۱.

مؤمنین باید هوشمند هم باشند چنانکه روایت است «المؤمنُ کَیْسٌ»^۲. و باهوشی و زرنگ بودن مؤمن آن جایی خود را نشان می‌دهد که در راه خود به بهترین شکل قدم گذاشته و حرکت کند. لذا انفاق کردن او باید مؤثر باشد. باید توجه او ناظر به مسائل و مشکلات جامعه باشد و گره‌گشایی از جامعه کند.

^۱ ۱۳۵۳/۰۶/۲۸.

^۲ المؤمنُ کَیْسٌ فُطِنٌ حَذِرٌ. [کنز العمال : ۶۸۹].

تردید وجود ندارد که انقلاب اسلامی، هم در نقطه آغاز و هم در ادامه مسیر خود، محصول مجموعه‌ای از اندیشه‌های متعالی و فکرهای نویی است که معمار کبیر انقلاب امام خمینی و جانشین خلف ایشان امام خامنه‌ای از قرآن و سیره پیامبر و معصومین علیهم السلام استخراج کرده و به بشریت امروز و تشنگان حقیقت دین عرضه کرده‌اند.

«اسلام یک فکر نویی می‌آورد،
براساس این فکر نو، یک جبهه‌بندی نو به
وجود می‌آید، یک صف‌بندی جدید به وجود
می‌آید... اساساً دین به معنای ایجاد یک
جبهه‌بندی و صف‌بندی جدید است...
پیغمبر صلی‌الله علیه و آله و سلم یک طرف در یک
صف، دشمنان و معارضان و معاندان پیغمبر
هم یک طرف، در یک صف دیگر... دو
صف‌اند در مقابل هم. هرکس هم بین دو
صف است، با پیغمبر نیست. هرکس هم به
پیغمبر نپیوسته، بر پیغمبر است. هرکس با

علی (ع) نباشد، بر علی (ع) است. هرکس با
حق نباشد بر حق است. در جنگ بین حق و
باطل، اگر با حق نبودی با باطلی. با باطل
بودن به این معنی نیست که حتماً با حق
بجنگی. اگر با حق نجنگی هم، داخل است
در مفهوم با باطل بودن^۱.

همین فکرها و ایده‌های نو، که انقلاب اسلامی را به وجود
آورده و حرکت الهی آن را جهت می‌دهد، امروز به یک جریان عظیم
حق در برابر همه باطل تبدیل شده و دفاع از آن، مستلزم جبهه‌بندی
مستحکم از مؤمنین واقعی، مشابه جبهه‌بندی صدر اسلام است.
وحدت کلمه، یکپارچگی، انسجام و به هم پیوستگی مؤمنین در
جامعه اسلامی شرط اصلی و لازمه پیروزی جبهه حق علیه باطل
است که ضرورت این جبهه‌بندی و صف‌بندی در گام دوم بیش از
پیش احساس می‌شود. وقتی معنای اولیه ولایت براساس آموزه‌های
دینی ما «به هم پیوستگی، هم‌جبهگی و اتصال شدید مؤمنین دارای
یک فکر واحد و جویای یک هدف واحد است، هرگونه اختلاف،
پراکندگی و چند دستگی میان نیروهای وفادار به انقلاب، قطعاً

^۱ کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی، صفحه ۳۹۳ و ۳۹۵.

محکوم و مذموم است و مانع تحقق اهداف انقلاب خواهد بود. بنابراین تلاش برای اتصال هرچه بیش‌تر نیروهای مؤمن، ولایی و با روحیه جهادی، به همراه دور نگه داشتن آن‌ها از سایر جبهه‌های غیرانقلابی و غیرولایی، خود یک جهاد عظیمی است که بیش از هر زمان دیگر به گفتمان‌سازی و تبیین دقیق و شفاف نیازمند است.

۲۰. هدایت در مسیر

مهم‌ترین پرتکرارترین سؤال در قدم‌گذاری در مسیر حرکت عمومی، آن است با وجود این نقشه راه کلامی که وجود دارد، چه باید کرد؟ چرا که لزوماً صحنه آنچنان شفاف نیست که انسان مؤمن و متعهد و حتی آگاه، از پیش بتواند برای فائق آمدن بر امور و چالش‌هایی که در راه او قرار داد برنامه ریزی کند. حتی او ممکن است نقطه شروع حرکت در میدان عمل را هم نتواند بیاید. فهم مسیر به میزان فهم عمل است و اساساً چنانکه از منطق قرآن و سنت الهی برمی‌آید، عمل مقدم بر فهم و هدایت است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»^۱. مهم این است که انسان در راه خدا خالصانه وارد

^۱ سورة مبارکه عنکبوت، آیه ۶۹. و آنها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود، هدایتشان خواهیم کرد؛ و خداوند با نیکوکاران است.

شده و عزم کند و در آن راه قدم بگذارد و خالصانه تلاش کند؛ در این صورت است که راه‌ها را خدا نشان به او می‌دهد. لذا نباید چنین تصور کرد که از ابتدا همه راه‌ها و پاسخ به مسائل باید پیدا شود و پس از آن انسان پا به میدان بگذارد. بلکه هدایت و نصرت الهی زمانی محقق می‌شود که انسان اولاً در میدان قیام برای خدا حاضر باشد. چنانکه ایمان و عمل صالح آمیخته به هم است، نصرت الهی هم محفوظ در قیام و تلاش خالصانه برای اوست. فهم پیچیدگی‌ها در میدان عمل رقم می‌خورد؛ گام به گام و مرحله به مرحله پیش می‌رود. و در ابتدا باید گروهی مردم را با مفهوم حرکت عمومی آشنا کنند. در این مرحله است که حلقه‌های میانی و ذهن‌های فعال و زبان‌های گویا باید به میدان وارد شوند و مردم را دعوت به قدم گذاشتن در میدان کنند و حس ضرورت ورود در این عرصه را برای ایشان یادآور شده و تبیین کنند.